

عالم مجرّدات

(۲)

پژوهشی در حقیقت جن

و

سحر و جادو

فریبا چناری

نیکان کتاب

بهار ۸۴

چناری، فریبا ۱۳۴۶ -
پژوهشی در حقیقت جن و سحر و جادو / فریبا چناری. -
زنجان: نیکان کتاب، ۱۳۸۳.
۲۵۶ ص. (مجموعات؛ ۲)

ISBN 964-8725-12-8: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۲۴۱ - ۲۴۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. جن. ۲. جن (قرآن). الف. عنوان.
پ ۴ / ۳ / ۲۲۶ BP
۲۹۷ / ۴۶۷
کتابخانه ملی ایران
۳۱۷۷۶ - ۸۳ م



انتشارات نیکان کتاب

●
پژوهشی در حقیقت جن و سحر و جادو
فریبا چناری
امور فنی: نیکان کتاب
طراحی روی جلد: امین اجاقلو
لیتوگرافی: پارسا
چاپ و صحافی: محمد

●
چاپ اول: بهار ۸۴
تیراژ: ۲۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

شابک: ISBN 964-8725-12-8 / شابک دوره: ISBN 964-8725-26-8

زنجان: خیابان سعدی وسط، کوچه‌ی شهید باقری، ساختمان سپهر
تلفن: ۳۲۳۵۵۴۱ / دورنگار: ۳۲۳۵۵۴۲ - ۲۴۱.

حق چاپ محفوظ می‌باشد.

فهرست

عنوان صفحه

مقدمه الف

بخش اول

پژوهشی در حقیقت جن

- ۳ بررسی کلمه جن از نظر لغوی و اصطلاحی
- ۶ (۱) هدف از آفرینش جن و انس
- ۲۱ (۲) جنس جن
- ۳۲ (۳) آیا جن ذرّیه دارد؟
- ۳۷ (۴) آیا جن علم غیب دارد؟
- ۴۹ (۵) استماع قرآن توسط جن
- ۶۵ (۶) عدم توانایی جن و انس در آوردن قرآن
- ۷۱ (۷) ایمان و عدم ایمان در گروهی از جنیان
- ۱۰۰ (۸) گروهی از انسان‌ها جن را می‌پرستیدند!
- ۱۱۴ (۹) مرگ جن و انس
- ۱۱۹ (۱۰) جن در قیامت

(۱۱) صفات حوریان بهشتی و عدم آمیزش جن و انس با آنها ۱۴۲

(۱۲) تجسم جن یا قدرت جنیان ۱۴۶

بخش دوم

پژوهشی در حقیقت سحر و جادو

بررسی کلمه سحر و جادو و گاهن از نظر لغوی و اصطلاحی ۱۶۷

(۱) حقیقت سحر چیست؟ ۱۷۲

(۲) انواع سحر ۱۷۹

(۳) آیا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سحر شد؟ ۱۸۸

(۴) تکذیب پیامبران و ساحر پنداشتن آنها ۱۹۳

(۵) کیفر زنی که شویش را سحر کند ۲۲۹

(۶) دستور برای امان بردن از جن زدگی بچه ها ۲۳۰

(۷) تعویذ بطلان سحر ۲۳۱

فهرست منابع و مآخذ ۲۳۵

مقدمه

جن اجسام لطیفه هستند، برای آنها حرکات سریعه و قادر بر اعمال قویّه‌اند، برای آنها عقل و فهم است و جریان نمایند در اجسام بنی آدم مانند: خون و متشکل شوند به اشکال مختلفه و صور متنوعه.

کفعمی رحمه الله فرماید: عرب جن را مراتبی نامند. جنس آن را «جن» و اگر ساکن با مردم شوند «عامر» و اگر متعرض اطفال شوند «ارواح» پس اگر خیبت باشند «شیطان»، خبائت زیاد باشد «مارد» و اگر قوه زیاد گردد، «عفریت» نامند.

روایت شده از حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) که خلق فرمود خدا جن را پنج صنف مانند:

۱- باد در هوا. ۲- صنف مار. ۳- عقارب. ۴- صنف حشرات زمین. ۵- صنف مانند: بنی آدم، بر آنها حساب و عقاب باشد بنابر این جن وجود بخارجی دارند، نه آن که صرف خیال و توهم باشد چنانچه بعضی گمان کرده‌اند.^(۱)
علی بن اسباط گوید: که ابو حمزه طعامی تهیه کرد و ما را که جماعتی

۱- ر. ک. - الحسینی الشاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۳۴۰.

بودیم دعوت کرد، هنگام خوردن غذا ابوحزمة شخصی را دید که استخوانی را بکلی پاک نمود، او را آواز داد که اینکار را نکن؛ زیرا از علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که می فرمود:

استخوان را از هر چه با او است برهنه نسازید؛ زیرا جن را در آن سهم است و اگر چنین کنید چیزی را از خانه می رباید که برای شما بهتر است از اینکه به استخوان است.

شرح: شاید مراد از جن در اینجا حیواناتیست که خود را از انسان می پوشانند و یا همان جن معهود است و ما آن را نمی بینیم.^(۱)

حلبی از امام صادق علیه السلام از کشتن مارها پرسید. امام فرمود: هر نوع ماری را در خشکی یافتی بکش مگر مار سفید را، و نیز نهی فرموده است از کشتن مارهای خانگی که در ساختمان های قدیمی و کهنه نر و ماده با هم در سقف ها یا در پس دیوارهای خاکی و یا زیر زمین با عمری طولانی زندگی می کنند و از جهت عمر بسیاری که می کند آن را «عامر» گویند.

و فرمود: آنها را نه از برای اینکه کشتنشان شوم است نمی کشید و زنده رها می کنید، (زیرا اگر به این خاطر باشد) این همان قول یهود در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شود می گفتند: هر کس مار خانگی را بکشد چنین و چنان خواهد شد (مرادشان این بود که نکبت و ناخوشی می آورد) پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از ترس عاقبت ناگوارش مار خانگی را نکشد از من نخواهد بود (یعنی مسلمان نیست) و جز این نباشد که او را رها می کنی چون با تو کاری ندارد و آزاری به تو

۱- ر. ک. - ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، مترجم جواد مصطفوی، ج ۴، ص ۲۷۹، گلگشت.

نمی‌رساند، و فرمود: گاه می‌شود که تو او را در لانه خودش می‌کشی (یعنی بدون اینکه آزاری به تو داشته باشد).

شرح: در لغت جان به معنی مار سفید آمده و در نهایت این‌اثیر آن را به معنی مارهایی که در خانه‌ها زیست می‌کنند در مقابل مارهای صحرایی و آبی معنی کرده است. (۱)

سخنان دانشمندان راجع به حقیقت جن مشهور و معروف بین علمای اسلامی این است که جن، جسم لطیف و شفاف است که عنصر غالب آن آتش و هوا است و چون آتش و هوا سریع الانتقال است این است که افراد جن می‌توانند به هر شکلی بخواهند متشکل گردند.

بعضی از فلاسفه و حکماء اصلاً وجود جن را منکر بودند و بسیاری از فلاسفه و قائلین به وجود ارواح معترف به وجود جن می‌باشند و فلاسفه جن را ارواح ارضی می‌نامند. ابوعلی سینا در رساله‌ای که در حدود اشیاء نوشته چنین گفته: جن حیوانی است هوایی، متشکل می‌گردد به اشکال مختلفه.

پس از آن گفته: این معنی شرح الاسم است؛ یعنی بیان اسم جن است نه حقیقت آن و جمهور ملّیین و کسانی که اهل ملّت و دین می‌باشند تماماً به وجود جن اذعان دارند لکن اختلاف آراء در این است که حقیقت جن چیست؟ بعضی گمان کرده‌اند که جن جسم و جسمانی نیست؛ بلکه به اعتبار ذات، جوهریست مجرد و دارای انواع و اصناف بی شمار، بعضی اهل خیر و صلاح، بعضی اهل شرّ و فساد و عدد آنان را جز خدا کسی نمی‌داند و گویند مجرد بودن آنها از جسم و جسمانیّت مانع از اطلاعات آنها بر امور گذشته آنها

بر امور گذشته و آینده و توانایی آنها بر اعمال شاقه که نوع بشر عاجز از آن است نمی‌باشند.

و این ارواح مجرّده هم می‌بینند و هم می‌شنوند و هم انجام اعمال شاقه می‌دهند و دور نیست بگوئیم هر نوعی از آنان به نوع مخصوصی از اجسام این عالم تعلق دارند و چنانچه در جای خود مبرهن گردیده که نفس ناطقه اول تعلق می‌گیرد به روح حیوانی که آن اجسام لطیف بخاری است که از قلب متصاعد می‌گردد به دماغ و به توسط آن روح بخاری نفس ناطقه تصرف در اعضاء می‌نماید. همینطور دور نیست بگوئیم هر یک از افراد اول تعلق می‌گیرد به جزئی از اجزاء هوا و هواسریان و نفوذ می‌نماید در بعضی اجسام ثقیل و به این واسطه در اجسام تصرف می‌نماید و بعضی گویند: جن مجرّد نیست بلکه مادی است و بین قائلین به جسمانی بودن جن دو رأی مختلف نقل شده بعضی چنین اظهار نظر می‌کنند که تمام اصناف و انواع جن در جسمانی بودن و قابل ابعاد ثلاثه عرض، طول و عمق داشتن مساویند؛ لکن در انواع و حقیقت مختلفند و دارای نوع بسیارند و هر نوعی را اصنافی است و هر صنفی از آنان را افراد زیادی است.

دیگری چنین اظهار می‌کند که اصناف و افراد جن در جسمانیّت و لطافت و کثافت بسیار تفاوت دارند و نیز بعضی از آنان علوی و بعضی سفلی می‌باشند.

دیگری را عقیده چنین است که تمام افراد و اصناف جن در ماهیّت نوعی یکی می‌باشند و در عوارض و خصوصیات فردی تفاوت دارند.

خلاصه آنچه از مجموعه آیات و روایات و گفتار دانشمندان بر می‌آید همین است که جن وجود دارد و افراد آن دارای اجسام لطیف و شفاف

می باشند؛ زیرا که از آتش یا باد آفریده شده اند و شاید عنصر غالب بعضی از انواع آنان از آتش و بعضی از باد تکوّن یافته باشد.

چنانچه بعضی از انواع ملائکه از نورند و بعضی از هوا مثل اینکه غالب انسان خاک است و عنصر غالب ملک؛ یعنی انواع جسمانی آنها شاید نور باشد و عنصر غالب جن آتش است و چون جسم لطیفند قدرت دارند بر اینکه متشکّل گردند به اشکال مختلفه و بعضی از آنان با ایمان و تقوی و بعضی فاسق و کافر و شرورند.

اما اینکه مثل انسان دارای نفس مجردند یا مادی و جسمانی می باشند دلیلی که بتوان به آن اعتماد نمود برای اثبات هیچ یک نداریم؛ زیرا که ادله هیچ کدام از قائلین به تجرّد یا جسمانی بودن آنان تمام نیست علم آن نزد خدا و راسخین در علم است (۱).

طنطاوی گوید: آدمی که می میرد اگر بدکار بود و به شرّ و بدی نزدیکتر بود روح و روان او را جن می نامند و وابسته به جنیان خواهد بود و ارواح شریره و اگر به خیر و خوبی نزدیک بود وابسته به عالم ملائکه و مجردات می شود چنانچه در قرآن است (يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا) که ارواح صالحه و نیکوکاران را در صنف ملائکه قرار داده است پس در عالم نهانی از چشم ما یک دسته آنها هستند که نزدیک به جهل بوده اند جن نامیده می شوند.

و آنکه نزدیک به علم و خرد بوده است وابسته به عالم فرشتگان است و در عالم ارواح ثابت شده است: آن روح که در زندگی مراتب عالی کمالی را برگزار کرده است چون از عالم زمینی آسوده شد، آماده وابستگی و دیدار

۱- ر. ک - بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، ج ۳، ص ۱۳۶.

فرشتگان می‌شود و آنکه جاهل مرد و از زندگی جز نیازمندی مادی چیزی نفهمید نمی‌تواند با عالم بالا و ملائکه وابسته شود و از آنها بهره‌مند گردد ناچار وابسته به عالم زمین و آدمیان خواهد بود. چون به اینها نزدیکتر است و از آنچه گیرند و اندیشند می‌تواند در یابد چنانچه در دوران زندگی که خردمند و آماده دانش هستند از علوم و مجالس درس و مجالست علماء بهره‌مند هستند و آنها که ناتوانند و کم خرد به هیچ کلاس مدرسه و انجمن علمی راه ندارند و جز از مجامع عامیانه و گفتار بی‌خردان چیزی دیگر درک نمی‌کنند.

و نیز چنانچه زنان و اطفال درس ناخوانده سخن کودکان و زنان همانند خود را بهتر می‌خواهند و می‌فهمند پس ارواح آنها هم همینگونه هستند؛ چون خداوند جهان را به یک روش و قانون برگزار می‌کند و قانون عمومی آفرینش او از اوّل آفرینش این بوده است؛ پس رفتن ارواح شریره و ناقص به آسمان و راندنشان از آنجا و گوش دادن به سخن پیغمبر و قرآن او و تعجب از شنیدن آن به واسطه همین جهل و بی‌خردی و ناشایستگی است که از عالم بالا نمی‌توانستند بهره‌مند شوند از صدای پیغمبر و قرآن او بهره‌مند شوند و چون اگر چه روان پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن از عالم اعلی است ولی برای مردم زمین و در قالب فهم این دسته موجودات آورده است. (۱)

۱- ر. ک. - عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ج ۸، ص ۳۷۵، باستان ۱۳۶۳، (سوره نباء آیه ۳۸)